

ناحیه محوری، ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در شهرداری تهران (منطقه ۴)

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۲۸

دکتر مظفر صرافی* (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)

دکتر جمیله توکلی نیا^۱ (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)

عادلہ آقایی^۲ (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری)

چکیده

مدیریت شهری به معنای اداره امور شهر به منظور پایداری و رضایت اجتماعات محلی با در نظر گرفتن و تبعیت از سیاست های ملی است. نیل به چنین مدیریتی، حکمروایی شایسته را ضروری می سازد تا مشارکت محلی به منظور بسیج منابع نهفته شهروندان برای رفع مشکلات فزاینده را امکان پذیر سازد. در حالی که شوراهای محلی غیررسمی (شورایاری ها) در تهران برای ارتباط با شورای شهر در سالهای اخیر ایجاد شده اند، این شوراها فاقد قدرت و منابع لازم برای اثربخشی کافی می باشند و همچنین رابطه ی تعریف شده ای با شورای شهر و شهرداری ندارند. بنابراین، از یک سو نیاز به واگذاری اختیارات محلی است و از سوی دیگر نیاز به ایجاد شورا در سطح ناحیه برای تجمیع منابع محلات و برنامه ریزی یکپارچه آنهاست. این مطالعه سازوکارها و کمبودهای نظام مدیریت شهری تهران را از این دیدگاه در منطقه ۴ شهرداری نشان می دهد.

واژه های کلیدی

مدیریت یکپارچه شهری، حکمروایی شایسته شهری، ناحیه محوری، تهران

* نویسنده رابط: Sarrafi53@yahoo.ca

1 Jaytavakoli@yahoo.com

2 Adeleh_ghaee@yahoo.com

مقدمه

افزایش میزان شهر نشینی از $\frac{۳۱}{۴}\%$ به $\frac{۶۷}{۴}\%$ طی سالهای ۳۵ تا ۸۵ (آمارنامه ها و سالنامه های آماری سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵) و الگوی متمرکز مدیریت شهری در طول چند دهه اخیر در ایران با مشکلاتی چون توسعه از بالا به پایین، عدم مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت شهری و فاصله بین ذی نفعان برنامه ریزی شهری (دولت و مردم)، عدم انطباق اهداف و روش های برنامه ریزی با نیازها و امکانات واقعی شهروندان همراه بوده است که موجب ناکارآمدی طرح ها و برنامه های شهری و آثار منفی در زندگی مردم شده است.

به دنبال این مشکلات، الگوهای جدیدی از مدیریت شهری مطرح شد. با شکل گیری شوراهای اسلامی شهر و شوراییاری های محله ای به تدریج مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با استفاده از سازو کار های تعامل شوراها با شهروندان مد نظر قرار گرفت ولی به دلیل عدم هماهنگی بین نهاد های محلی و عدم وجود ساختار مناسب برای ارتباط بین محلات شهری و توجه شورایاران فقط به محله ی خود موجب گردید تا در مقیاس محلات چندگانگی برنامه ریزی شهری و عدم هماهنگی با یکدیگر صورت گیرد. در نتیجه بین سطح محلات و سطح منطقه ای فاصله ایجاد گردید. همچنین اعضای شوراها - به دلیل تعداد کم (۳۱ نفر) نماینده ۷۳۷۴۵۹۰ نفر یعنی به ازای هر ۲۳۷۸۹۰ نفر یک عضو شورا (مجموعه قوانین و مقررات شورای اسلامی با آخرین اصلاحات، سال ۱۳۸۲) قانون شوراها و نبود سلسله مراتب شورایی در نظام مدیریتی شهر تهران، فقدان ساختار اجرایی و تشکیلات سازمان شهرداری تهران در مقیاس خردتر برای پی گیری امور شورایی نتوانستند کارایی خاصی را در مناطق و شهرها داشته باشند.

از آنجا که مرز محله های سنتی و قدیمی تهران از نظر محدوده با تقسیمات اداری سیاسی جدید شهری تفاوت دارند، با مرز بندی جدید، بسیاری از محله های شهری به بخش های جدا از یکدیگر تبدیل و تقسیم شده اند. از اینرو نیاز به تجمیع امکانات و تحریک حس مشارکت و شکل گیری نهاد های جدید شهری در محدوده ای بزرگتر با ویژگی های مشابه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی است. بنابر این رویکرد جدید طرح ناحیه محوری در محدوده ی شهری در کنار رویکرد محله محوری می تواند به ارتقاء شیوه های تصمیم سازی در طرح های شهری منجر شود. در همین راستا و قبل از پژوهش و رسیدن به نتیجه واقعی و قطعی، سوالات و فرضیاتی در خصوص موضوع مورد پژوهش مطرح می گردد که به قرار زیر بیان می شود:

سوالات تحقیق

- ۱- مدیریت شهری در سطح محله ها و مناطق شهری به ویژه منطقه ۴ شهرداری تهران چگونه انجام می شود؟
- ۲- چگونه می توان فاصله مدیریت شهری در سطح شهرداری و شوراپاری محله ای را در تهران کاهش داد؟

فرضیات تحقیق

- به منظور یافتن پاسخ منطقی برای سوال های پژوهش فرضیه های زیر مطرح می گردد که باید مورد بررسی قرار گیرند:
- ۱- مدیریت شهری در سطح محله های شهر تهران به ویژه منطقه ۴ عمدتاً به صورت مجزا و غیر یکپارچه با سایر مناطق شهری انجام می شود.
 - ۲- با ایجاد سطح ناحیه ای در مدیریت شهری تهران پیوند بین برنامه ریزی در سطوح محلی و شهری برقرار می شود..

روش شناسی تحقیق

در مطالعه حاضر از روش پژوهش و جمع آوری اطلاعات، اسنادی و میدانی-پیمایشی بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش، منطقه ۴ شهرداری تهران و نمونه های انتخابی از منطقه، نواحی ۲، ۶ و ۹ بدست آمده است. محلات (شمس اباد و مجیدیه مالی، کالاد، کوهسار، مجیدآباد، جوادیه و تهرانپارس شرقی) از نواحی نمونه بر اساس معیار برخورداری جهت مطالعه تطبیقی انتخاب شده اند و با استفاده از فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵٪، ضریب دقت ۰۵٪ و واریانس ۲۵٪، حجم نمونه های انتخاب شده برابر ۳۱۹ نفر تعیین گردید. برای دقت بیشتر در این تحقیق تعداد ۳۵۰ نمونه انتخاب و پرسشنامه های مربوط به آنها تکمیل شد. با توجه به ماهیت تحقیق برای بدست آوردن اطلاعات و مقایسه نظرات شهروندان و مسئولین ۶ محله در منطقه ۴، پرسشنامه هایی در سه سطح تهیه و مورد ارزیابی قرار گرفته است. در سطح اول پرسشنامه ای با روش نمونه گیری سیستماتیک با توجه به تعداد جمعیت و خانوار در ۶ محله منطقه ۴ برای ارزیابی نظرات شهروندان توزیع و طراحی گردید. در نهایت اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و در سطح فرمول های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح دوم و سوم پرسشنامه های مربوط به

مدیریت شهری توسط دبیران شوراییاری های محلات نمونه و شهرداری های نواحی پر شد و با توجه به حضور در جلسات شوراییاری ها با شهرداریهای نواحی تحلیل گردید. در مرحله نهایی با توجه به نتایج اخذ شده از پرسشنامه ها و مصاحبه ها به جمع بندی و ارائه پیشنهادات پرداخته شد.

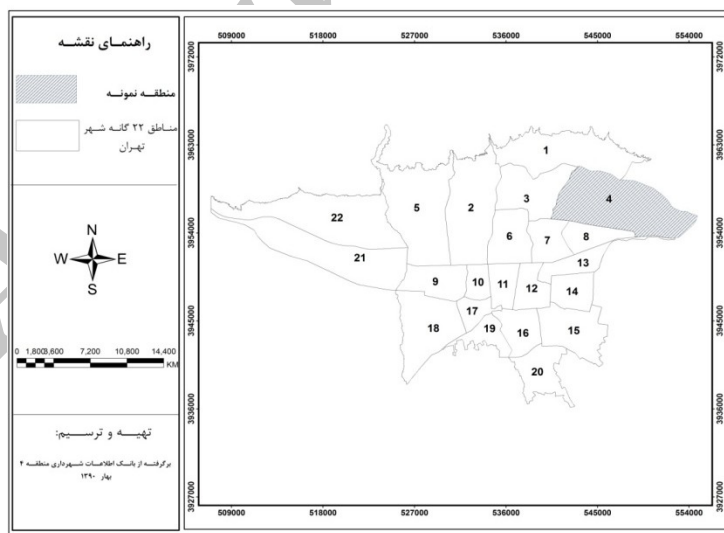
مبانی نظری تحقیق

مطالعات و بررسی ها در مورد مدیریت شهری به صورت متمرکز و از بالا به پایین نشان می دهد که این شیوه از مدیریت اعتبار خود را در میان جوامع از دست داده و با تنگناهای نظری و عملی فراوان روبرو است. ناکارآمدی این نوع مدیریت به علل مختلف از جمله عدم مشارکت مردم و ذی نفعان مدیریت شهری در برنامه های شهری، ارائه برنامه های یکسان برای مناطق، نواحی و محله های متفاوت شهری و مانند این ها نمود بیش تری داشته است. از این رو "در دهه های اخیر مدیریت شهری بر پایه مقیاس های خرد برای حل مشکلات شهری مطرح شده است که از طریق به کارگیری تکنیک های مشارکتی و ظرفیت سازی اجتماعی سعی در مدیریت شهری مطلوب و پایدار دارد" (صراف، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۳) به عبارتی دیگر مدیریت شهری را می توان این گونه تعریف کرد: توانایی انطباق و تلفیق اقدامات بخش خصوصی و عمومی جهت کاهش مشکلات ساکنان شهرها و ایجاد شهری پایدارتر، عادلانه تر و رقابت پذیرتر. (Van Dijk 2006:7) از آنجا که حکمروایی شهری رویکردی پذیرفته شده در بهبود مدیریت یکپارچه شهری است، کمبودهای رویکرد متداول شهری (از بالا به پایین) را نشانه می گیرد و با مشارکت تمامی ذینفعان و ذی حقان، تصمیم گیری مردمسالارانه، پاسخ گویی و حسابرسی، قانونمندی و شفافیت، کرائی و اثربخشی، انصاف و پایداری را برای هدایت توسعه پایدار شهری ضروری می سازد. و تمرکززدایی واحد فضایی مدیریت و تجمیع و هماهنگی بین واحدها را برای بهره مندی در مقیاس بزرگ تر مطرح می کند. یکی از راه های تحقق این امر ایجاد سطح حکومت محلی است تا با تفویض اختیار و منابع مرتبط با شهرداری و شوراهای تمام اموری که در سطح شهر قابل اجرا، اداره و پاسخ گویی است می تواند عمل شود و دگرگونی در رویه و شیوه ی مدیریتی در جهت دربرگیری تمامی کنشگران توسعه کلان شهری و تغییر رویه شهرداری ها به سوی توسعه ی پایدار و شهروندمداری را سبب شود و در یکپارچگی مدیریت شهری نظامی هماهنگ کننده از سطح خرد (اجتماعات محلی/شوراییاری) تا سطح میانه (نواحی، مناطق، شهرداری و شورای اسلامی تهران) بوجود آورد و اصل مسؤولیت و اجرای امور در پایین ترین مقیاس عملی رعایت شود (صراف، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۳) شوراهای به عنوان، یکی از نهادهای محلی که در کانون برنامه ریزی

توسعه پایدار محلی قرار دارند، می توانند چارچوبی فراهم نمایند تا بر اساس برنامه ها و مقررات تعهدآور موجب تحقق توسعه پایدار محلی، توسعه پایدار شهر و منطقه و سرانجام توسعه پایدار ملی شوند. "از آنجا که اغلب مسائل توسعه پایدار و راه حل های آن ریشه در سطوح خرد شهری دارند، مشارکت و همکاری مسئولین محلی عاملی تعیین کننده از واقعی کردن و امکان پذیر نمودن پایداری آتی باشند. به عبارتی دیگر شوراهای محلی زمینه ساز فرایندهای برنامه ریزی مناسب توسعه پایدار محلی می باشند که با شرایط محلی سازگار است" (افتخاری ۱۳۸۲: ۱۳) نتیجه این که حکومت محلی اصلی ترین نیروی محرک برای یکپارچه سازی کلیه بازیگران در فرایند ساخت شهر به حساب می آید. (برک پور، ۱۳۸۸: ۱۰۲) بنابراین عدم تمرکز، مشارکت همگانی، شراکت بین شهر، دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی که ابزارهای اصلی نبرد شهرها برای پاسخ گویی به نیازهای اجتماعی و پایداری توسعه هستند را در پی خواهند داشت. (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۵۵)

محدوده مورد پژوهش

محدوده این منطقه، از شمال به بزرگراه شهید بابایی، از جنوب به محور رسالت، از غرب به خیابان های شریعتی و پاسداران، از شرق به بلوار شهید خلعتری (جاده تلو)، ادامه سه راه آزمایش تا بزرگراه شهید بابایی، حریم منطقه و ارتفاعات سرخه حصار محدود می شود. (سبزه‌علیان، مرضیه و مرضیه بقیری، ۱۳۸۹: ۱۹)



نقشه ۱: موقعیت منطقه نمونه در تهران

ویژگی های جمعیتی و کالبدی محدوده

با توجه به ویژگی های جمعیت و مساحت، سند چشم انداز، کاربری ها، سرانه ها و طرح های پیشنهادی نواحی و محلات نمونه در منطقه ۴ ناحیه ۶ بیشترین جمعیت و ناحیه ۹ بیشترین مساحت را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۱: مقایسه جمعیت و مساحت نواحی نمونه نسبت به جمعیت و مساحت کل منطقه (طبق سرشماری سال ۱۳۸۵)

ردیف	نام نواحی	جمعیت	درصد جمعیت نواحی نسبت به منطقه	مساحت	درصد نسبت به منطقه
۱	۲	۷۲۱۳۳	۸/۹	۳۳۹۴۹۴۸	۵۵
۲	۶	۱۵۹۷۴۳	۱۹/۸	۵۱۹۷۳۵۰	۸۵
۳	۹	۷۵۵۸۵	۹/۴	۹۵۸۹۰۶۷	۱۵۶

ماخذ: سبزهعلیان: ۱۳۸۹

جدول ۲: محلات نمونه درون نواحی منتخب منطقه ۴

ردیف	نام محله	ناحیه مربوطه	جمعیت (نفر در سرشماری ۱۳۸۵)	وسعت (مترمربع)
۱	شمس اباد-مجیدیه	۲	۵۵۱۲۳	۲۴۳۰۰۶۵
۲	کوهک (کالاد)	۲	۱۷۰۱۰	۹۶۴۸۸۳
۳	تهرانپارس شرقی	۶	۵۸۵۸۳	۱۸۵۹۴۵۸
۴	جوادیه تهران پارس	۶	۴۷۷۰۲	۱۷۵۸۹۳۰
۵	مجیدآباد	۹	۲۷۲۷۶	۳۳۴۰۶۰۳
۶	کوهسار	۹	۲۸۴۵۳	۴۴۲۸۸۹۶

ماخذ: سبزهعلیان: ۱۳۸۹

ویژگی های کاربری ها و سرانه ها

از نظر کاربری ها و مقایسه وضع موجود محلات با سرانه استاندارد نتایج زیر حاصل می شود: از نظر کاربری مسکونی دو محله جوادیه و تهرانپارس شرقی به دلیل یک طبقه بودن اکثر خانه ها و وضعیت اقتصادی پایین مردم در ساخت و سازهای بلندمرتبه دارای بیشترین سرانه مسکونی و محله کوهسار به دلیل وجود شهرک موجود در آن و بافت فشرده دارای کمترین سرانه مسکونی می باشد. از نظر کاربری تجاری محله کوهسار کمترین سرانه تجاری و محله کوهک بیشترین سرانه تجاری را دارند، اما در تمام محلات نمونه کمبود سرانه تجاری در مقایسه با سرانه مطلوب برای مقیاس محله قابل مشاهده است. از نظر سرانه خدماتی کمترین سرانه مربوط به محله کوهسار و بیشترین سرانه مربوط به محله کوهک می باشد. مقایسه محلات نمونه با سرانه مطلوب نشان از ضعف عمیق کاربری های خدماتی در محلات مذکور است.

از نظر کاربری فضای سبز به لحاظ قرارگیری پارک پلیس و جنگل لویزان در محدوده محله مجیدآباد تقریباً سه برابر سرانه مطلوب سرانه فضای سبز دارد و محله شمس آباد و مجیدیه کم‌ترین سرانه را دارند.

از نظر کاربری صنعتی محلات کوهک، تهرانپارس شرقی و مجیدآباد دارای کم‌ترین سرانه صنعتی و محله شمس آباد و مجیدیه دارای بیش‌ترین سرانه صنعتی است.

از نظر کاربری نظامی کوهک بیش‌ترین سرانه و بقیه محلات در حد صفر می‌باشند.

از نظر کاربری تاسیسات شهری محله کوهسار بیش‌ترین سرانه و تهرانپارس شرقی تقریباً فاقد تاسیسات شهری می‌باشد.

از نظر کاربری حمل و نقل محله کوهک بیش‌ترین سرانه و سه محله تهرانپارس شرقی، کوهسار و مجیدآباد فاقد سرانه حمل و نقل هستند.

از نظر سرانه زمین‌های بایر محله مجیدآباد دارای بیش‌ترین سرانه و بقیه محلات نیز دارای درصدی از زمین‌های بایر برای استفاده‌های مختلف می‌باشند.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که ناحیه ۲ از نظر سرانه‌های تجاری، خدماتی، صنعتی، نظامی و حمل و نقل و ناحیه ۹ از نظر سرانه فضای سبز و حمل و نقل بیش‌ترین سرانه و از نظر کاربری‌های مسکونی، تجاری و خدماتی کم‌ترین سرانه را دارا هستند اما تقریباً در همه محلات در تمامی کاربری‌ها کمبودهایی وجود دارد که از امکانات و قوت‌های دیگر محلات می‌توان برای رفع آن در سطح نواحی استفاده کرد. مقایسه سطح و سرانه کاربری‌های مختلف در نواحی منطقه ۴ با داده‌های مربوط به پیشنهاد طرح ساماندهی نیز برای کاربری‌های با عملکرد ناحیه‌ای نشان می‌دهد که سطوح کاربری‌های مختلف متناسب با جمعیت هر ناحیه توزیع نگردیده‌اند. به طوری که برخی نواحی در برخی کاربری‌های خدماتی با کمبود شدید مواجه هستند، در حالیکه برخی دیگر نسبت به پیشنهاد طرح ساماندهی دارای سطح و سرانه بیش‌تری می‌باشند. با توجه به کاربری‌ها و سرانه‌های مورد بررسی، محله کوهک در وضعیت بهتری نسبت به سایر محلات قرار می‌گیرد و محله کوهسار پایین‌ترین سطح سرانه‌های شهری را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به اصل صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، کمبود خدمات منطقه‌ای در مراکز منطقه‌ای پیشنهادی و کمبود سطوح خدمات محله‌ای در رده ناحیه‌ای قابل‌تأمین و دستیابی است.

سند چشم انداز محلات نمونه

با توجه به بررسی چشم انداز محلات نمونه، مشاهده می شود که محلات نمونه دارای چشم انداز یکسانی هستند هر چند بعضی از محلات منطقه مانند محله مجیدآباد فاقد چشم انداز محله ای است در محله های دیگر نیز چشم اندازسازی صورت نگرفته و فقط فهرست اقدامات مربوط به کمبودها و ضعف ها و قوت های محلات صورت گیرد تهیه شده است. قابل ذکر است که نهادهای مردمی مانند شوراییاری ها در تدوین این سند نقشی نداشته و به سفارش شهرداری منطقه توسط مهندسین مشاور برای محلات مورد بررسی تهیه شده است. از این رو سند ارائه شده نمی تواند الگوی مناسبی برای برنامه آینده محلات باشد. از طرف دیگر با توجه به ارتباط سطوح پائین با سطوح بالا و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، عدم چشم اندازسازی منطقه و نواحی و مشخص نبودن جایگاه محلات در چشم انداز مشکلاتی جدی در برنامه ریزی ها و طرح های مربوط به محلات پیش خواهد آمد.

طرح های پیشنهادی در نواحی نمونه و منطقه ۴

از نظر طرح های پیشنهادی برای منطقه و نواحی منطقه ۴، تعداد ۱۲ طرح موضوعی و موضوعی در رابطه با منطقه ۴ پیشنهاد و طراحی شده است که در صورت اجرا قسمت زیادی از کمبودهای نواحی و منطقه را رفع خواهند کرد. از جمله این طرحها مراکز پیشنهادی در ناحیه ۲ و ناحیه ۸ و طرح مربوط به پارک جنگلی لویزان را می توان نام برد. با توجه به مشکلات محلات و نواحی از بعد اجتماعی و فرهنگی تعداد طرح هایی که در این زمینه تهیه شده اند بسیار محدود و در حد بافت های فرسوده منطقه می باشد. نکته قابل تامل در بین طرح ها، طرح تعامل با نیروی نظامی است که تأثیری بسیار در برنامه ریزی های شهری، منطقه ای و ناحیه ای به جای می گذارد و سایر طرح های اجرایی منطقه را تحت شعاع خود قرار می دهد. از نکات مثبت این طرح ها می توان دید کلان و توجه به محلات و نواحی همجوار بر اساس شرایط و ویژگی های محلی را ذکر نمود. اما مسئله مهمی که مغفول مانده است مشارکت مردم محلات و نواحی در این طرح ها می باشد.

یافته های تحقیق

به منظور تجزیه و تحلیل داده های حاصل از عملیات میدانی، در بخش اول، پرسشنامه های مربوط به شهرداران نواحی، دبیران شوراییاری و بعضی از سوالات مربوط به مردم به صورت توصیفی

و در بخش دوم داده های مربوط به پرسشنامه های مردم با استفاده از آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه تحلیل شده اند که به صورت زیر ارائه می گردد:

– پرسشنامه شهرداران نواحی

در ارتباط با مشارکت مردم، شهرداری های نواحی ۲ و ۶ میزان مشارکت مردم را در سطح زیاد ارزیابی کرده و زمینه های آن را فکری و اجرایی بیان نمودند (به جز شهرداری ناحیه ۹) موضوع بعدی که تکمیل کننده مشارکت مردم است مسأله شورایاری محلات است که از دیدگاه های شهرداری های نواحی، شورایاری ها فقط انتقال دهنده مشکلات محلات هستند و هیچ سازوکار قانونی وجود ندارد که همگرایی و همبستگی آن ها را در سیستم مدیریت شهری تعریف کند. متعاقبا شهرداری های نواحی نیز اعتقاد زیادی به تاثیر آن ها در برنامه های شهرداری در خصوص محلات ندارند و فقط به تشکیل جلسات مشترک با آن ها که تقریبا حالت صوری دارد اکتفا می کنند.

شهرداران نواحی در بعد رابطه بین محلات و نواحی معتقدند، همه محلات به جز کوهسار تقریبا حالت همگرایی دارند و این همگرایی از طرف شهرداری ناحیه صورت گرفته است. دلیل آن را می توان در این نکته دانست که شورایاری ها بستر قانونی نداشته و شهرداری نیز بستری را برای تشریک مساعی آنها در همگرایی محلات آماده ننموده است. در ارتباط با طرح ناحیه محوری باید عنوان کرد که شهرداری نواحی در اجرای آن به علت مشکلات طرح قبلی (از قبیل عدم توجه به محلات و جزئیات، عدم امکانات اداری، تمرکز در برنامه ریزی و مدیریت، نبود نیروی کافی و متخصص) حساسیت بیشتری داشته اند و با اهداف افزایش مشارکت مردم، کاهش هزینه ها در کوتاه مدت و توجه کامل به تمامی محلات، آن را مطرح و اجرا نموده اند. در صورت اجرای صحیح این طرح اثرات مثبت زیر متصور می شود:

مشارکت مستقیم شهروندان و افزایش رضایتمندی آنها، نزدیکی و همدمی مردم با نهاد شهرداری، ارتقاء میزان خدمات دهی شهرداری، بازیابی هویت محله ای، صرفه جویی در هزینه ها و مرتفع شدن مشکلات موجود.

بعدی که از نظر شهرداری های نواحی در ناحیه محوری پراهمیت بوده و نیازمند تقویت است شامل مدیریت سیستمی و مشارکتی، مدیریت در سطوح کوچک تر، تقسیم کار درست، تفویض اختیارات به سطوح پایین تر و ارتباط مناسب تر بین ارگانهای مختلف می باشد. اما طرح ناحیه محوری مانند هر طرح دیگری که تازه مطرح شده باشد دارای نواقصی از لحاظ منابع و درآمد، مسائل

حقوقی و قانونی، شاخص سازی برای ارزیابی، تطابق مسؤلیت ها با میزان اختیارات قانونی، تعریف نحوه ارتباطات اداری با خارج از ناحیه و شورای شهر است. با توجه به مسائل بیان شده، آنچه که برای واگذاری به شهرداری ناحیه ضروری می نماید، قراردادهای متوسط، خدمات عمومی و ضروری، تصمیم گیری و برنامه ریزی در سطح ناحیه، تامین منابع مالی، تقویت ابعاد اجتماعی، مشارکت و نظارت است. در مرحله نهایی مقوله مرزبندی نواحی است که در حال حاضر بر اساس وسعت جغرافیایی، نظر شهرداری منطقه و تراکم جمعیت صورت می گیرد.

– پرسشنامه شورایاران

با توجه به پرسشنامه شورایاران محلات نمونه و نظرسنجی از آنها در مورد مشارکت، مشخص گردید که در سطح ۴ محله نمونه میزان مشارکت مردم در حد متوسط و در دو محله جوادیه و کوهسار در حد زیاد و بویژه در زمینه فکری و مشورتی بوده است. در این رابطه سازوکارهایی که شورایاریها برای اطلاع رسانی برنامه ها و طرح هایشان به مردم انتخاب کرده اند، حضور شورایاران در مساجد و مدارس و ارتباط حضوری با مردم، اعلام برنامه ها از طریق بنرها و تابلو اعلانات تاثیرگذار بوده است. همچنین نظر شورایاریها در ارتباط با ساختار و مسائل مربوط به آنها، ناحیه محوری، شورایاری و مدیریت شهری مورد بررسی قرار گرفت. اولین موضوع در این رابطه نظر دبیران شورایاریهای محلات در مورد منابع مالی است که از طریق شهرداری و شورای شهر تهران تامین می شود. نظرات مختلف در مورد منبع تامین منابع مالی شورایاریها دال بر این است که اختصاص اعتبار و منابع مالی برای شورایاریها و مصوبات آنها، نه بر اساس ضابطه ای خاص بلکه بر اساس رابطه صورت می گیرد. مشکلات و چالش های شورایاریها نیز قابل تعمق و بررسی می باشد:

مشکلات قانونی مثل عدم تعریف رابطه با سازمان های دولتی، شهرداریها و شورای شهر تهران و...، مشکل مالی و عدم مشارکت مردم از مهم ترین آنها به شمار می روند. در ارتباط به رابطه شورایاریها با همدیگر در سطح محلات نمونه، رابطه بین آنها در سطح شورایاریهای محلات اطراف محله خود، سطح منطقه و در سطح مناطق دیگر و شورایاریهای محلات منطقه ۴ باید اظهار نمود که برای برقراری ارتباط بین شورایاران سازوکار قانونی وجود ندارد و تنها از طریق جلسات شهرداری مناطق، دبیر دبیران شورایاریها و شورای شهر تهران جلساتی برگزار می شود. یکی از زمینه هایی که ارتباط شورایاران با همدیگر را مورد سنجش قرار می دهد، میزان تاثیر شورایاریهای محلات در تحقق سند توسعه چشم انداز محلات نمونه است، محلات دیگر، در سند چشم انداز همه محلات به

جز کالاد(که محلات دیگر هیچ تاثیری در چشم انداز آن نداشته اند) و محله مجیدآباد (که فاقد سند چشم انداز محله ای است) تاثیر داشته اند که این تاثیرات در زمینه های فرهنگی-اجتماعی، فنی و عمرانی و اهداف فرامحله ای بوده است. در همین رابطه طرح‌هایی که شورایاری‌ها با همکاری محلات دیگر تعریف کرده اند به جز جوادیه و کالاد در بقیه محلات طرح‌هایی با موضوعات اجتماعی- فرهنگی و فنی و عمرانی انجام داده اند. شورایاران محلات نمونه معتقدند که با انجام اقدامات مذکور، همگرایی بین محلات حاکم شده و در صورت بروز چندگانگی بین محلات می توان با تدوین دستورالعمل‌های مشترک، بالا بردن فرهنگ مشارکتی مردم، ارتباط بیشتر آن‌ها با شورایاری‌ها، شهرداری‌ها و دیگر نهادهای مسؤل، استفاده از نظرات مردم و شورایاری‌ها و متخصصین در برنامه‌ها و طرح‌ها، آشنایی با طرح‌های دیگر محلات، مدیریت واحد و سلسله مراتبی آن، همگرایی بیش‌تر را محقق ساخت. یکی از راه‌های موثر در همگرایی محلات، کاربست طرح ناحیه محوری است. تشکیل جلسات مشترک در سطح نواحی بین شهرداری ناحیه و شورایاری محلات، همچنین بین شورایاران محلات نواحی با یکدیگر و ارایه طرح‌هایی در سطح نواحی با توجه به نیاز محلات در زمینه های فرهنگی-اجتماعی تاثیرگذار است. بدین‌سان طرح ناحیه محوری با تاکید بر نظرات شورایاران و مردم می تواند موثر واقع شده و با تقویت نگرش محله محوری در چارچوب طرح ناحیه محوری، تامین منابع مالی، استقلال تصمیم گیری و توان اجرایی و تقویت بعد اجتماعی- فرهنگی در ارتباط مدیریت شهری امکانپذیر سازد. در این صورت نیازهای هر مقیاسی در همان مقیاس تامین شده و نیاز به صرف هزینه زیاد و رفت و آمد متوالی به سازمان های دیگر نخواهد بود.

بر اساس پاسخ های مردم و مقایسه با پاسخ های دبیران شورایاری‌ها و شهرداری های نواحی نتایج ذیل حاصل شده است:

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه جهت تحلیل گویه های پرسشنامه در محله های مختلف مورد مطالعه

رتبه بندی محله ها بر حسب یکپارچگی بیشتر یا توجه به نتایج آزمون شفه	درجه معناداری	F محاسبه شده	درجه آزادی	گویه
۱- شمس آباد (۲/۹)، ۲- کالاد (۲/۶)، ۳- مجیدآباد (۲/۳)، ۴- تهرانپارس شرقی (۲)، ۵- جوادیه (۱/۶)، ۶- کوهسار (۱/۴)	۰/۰۰۴	۰/۷۹	برون گروهی ۵ درون گروهی ۳۴۴	میزان رضایت از عملکرد شهرداری ها
۱- کالاد (۳/۴)، ۲- شمس آباد (۳/۲)، ۳- مجیدآباد (۲/۷)، ۴- تهرانپارس شرقی (۲/۴)، ۵- کوهسار (۱/۹)، ۶- جوادیه (۱/۸)	۰/۰۰۰	۱/۱۴	برون گروهی ۵ درون گروهی ۳۴۴	میزان رضایت از برنامه های شورایی
۱- شمس آباد (۲/۴)، ۲- کالاد (۲/۳)، ۳- تهرانپارس شرقی (۲/۲)، ۴- مجیدآباد (۲/۱)، ۵- کوهسار (۱/۸)، ۶- جوادیه (۱/۶)	۰/۰۲۳	۰/۶۸	برون گروهی ۵ درون گروهی ۳۴۴	میزان اعتماد به شورایی ها
۱- شمس آباد (۲/۹)، ۲- کالاد (۲/۷)، ۳- تهرانپارس شرقی (۲/۶)، ۴- مجیدآباد (۲/۴)، ۵- کوهسار (۲/۳)، ۶- جوادیه (۲/۱)	۰/۰۲۷	۲/۶	برون گروهی ۵ درون گروهی ۳۴۴	میزان اعتماد به شهرداری ها
۱- شمس آباد (۲/۷)، ۲- کالاد (۲/۶)، ۳- مجیدآباد (۲/۳)، ۴- تهرانپارس شرقی (۲/۱)، ۵- کوهسار (۱/۸)، ۶- جوادیه (۱/۷)	۰/۰۰۵	۳/۱۱	برون گروهی ۵ درون گروهی ۳۴۴	میزان آشنایی با سازمان های مدیریت شهری
۱- مجیدآباد (۰/۷)، ۲- کالاد (۰/۶)، ۳- شمس آباد (۰/۶)، ۴- جوادیه (۰/۵)، ۵- تهرانپارس شرقی (۰/۴)، ۶- کوهسار (۰/۳)	۰/۰۳۸	۱/۷۳	برون گروهی ۵ درون گروهی ۳۴۴	شرکت در جلسه شورایی محله
۱- مجیدآباد (۲/۱)، ۲- کالاد (۱/۹)، ۳- شمس آباد (۱/۷)، ۴- جوادیه (۱/۵)، ۵- کوهسار (۱/۳)، ۶- تهرانپارس شرقی (۱/۲)	۰/۰۱۸	۲/۴۲	برون گروهی ۵ درون گروهی ۳۴۴	میزان نظر خواهی در مورد برنامه های شهری

ادامه جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه جهت تحلیل گویه های پرسشنامه در محله های مختلف مورد مطالعه

۱- شمس آباد (۲/۶)، ۲- کالاد (۲/۴)، ۳- مجیدآباد (۲/۳)، ۴- تهرانپارس شرقی (۱/۸)، ۵- کوهسار (۱/۹)، ۶- جوادیه (۱/۸)	۰/۰۲۵	۰/۶۸	برون گروهی ۵	میزان آگاهی از طرح ها و پروژه های شهری
			درون گروهی ۳۴۴	
۱- شمس آباد (۲/۶)، ۲- کالاد (۲/۳)، ۳- مجیدآباد (۲/۲)، ۴- تهرانپارس شرقی (۱/۸)، ۵- جوادیه (۱/۷)، ۶- کوهسار (۱/۵)	-/۰۰۰	۳/۱۴	برون گروهی ۵	میزان هماهنگی سازمان های دخیل در مدیریت شهری
			درون گروهی ۳۴۴	
۱- مجیدآباد (۱/۷)، ۲- کالاد (۱/۴)، ۳- شمس آباد (۱/۴)، ۴- جوادیه (۱/۲)، ۵- کوهسار (۱/۱)، ۶- تهرانپارس شرقی (۰/۹)	-/۰۱۹	۲/۵۸	برون گروهی ۵	میزان آگاهی از اقدامات شهرداری برای محله
			درون گروهی ۳۴۴	
۱- مجیدآباد (۱/۲)، ۲- کالاد (۰/۹)، ۳- شمس آباد (۰/۸)، ۴- جوادیه (۰/۵)، ۵- کوهسار (۰/۴)، ۶- تهرانپارس شرقی (۰/۴)	-/۰۰۰	۲/۱۴	برون گروهی ۵	میزان آگاهی از اقدامات شورایاری برای محله
			درون گروهی ۳۴۴	
۱- کالاد (۰/۶)، ۲- شمس آباد (۰/۵)، ۳- مجیدآباد (۰/۵)، ۴- جوادیه (۰/۴)، ۵- کوهسار (۰/۳)، ۶- تهرانپارس شرقی (۰/۲)	-/۰۱۷	۱/۲۸	برون گروهی ۵	میزان درخواست از شورایاری، شورا و شهرداری ناحیه
			درون گروهی ۳۴۴	
۱- کالاد (۱/۸)، ۲- شمس آباد (۱/۵)، ۳- مجیدآباد (۱/۲)، ۴- جوادیه (۰/۸)، ۵- تهرانپارس شرقی (۰/۶)، ۶- کوهسار (۰/۴)	-/۰۰۰	۱/۸۶	برون گروهی ۵	میزان پاسخ گویی شورایاری، شورا و شهرداری ناحیه در قبال درخواست ها
			درون گروهی ۳۴۴	

نتایج حاصل از جدول تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه در سطح تحلیل گویه های پرسشنامه در محلات نمونه مورد بررسی در ارتباط به ۱۳ پرسش طرح شده ۳ محله شمس آباد، کالاد و مجیدآباد از سطح بالاتری برخوردارند. در ۶ گویه شمس آباد، در ۳ گویه کالاد و در ۴ گویه مجیدآباد بالاترین سطح معنی داری را داشته اند. در سطح منطقه شمس آباد، در سطح ناحیه مجیدآباد و در سطح محله کالاد موفق عمل کرده اند.

جدول ۴: نتایج آزمون t برای گروه‌های مستقل جهت مقایسه محله های مورد مطالعه در هر ناحیه با توجه به یکپارچگی در برنامه ریزی شهری

نواحی	محله ها	میانگین	درجه آزادی	t محاسبه شده	درجه معناداری
۲	شمس آباد	۲۴/۱۲	۶۹۸	۳/۲۵	۰/۱۱۲
	کالاد	۲۳/۳۲			
۶	جوادیه	۱۸/۲۱	۶۹۸	۵/۱۷	۰/۰۱۳
	تهران پارس شرقی	۲۰/۱۷			
۹	مجیدآباد	۲۳/۷۸	۶۹۸	۴/۱۴	۰/۰۰۰
	کوهسار	۱۹/۴۰			

در ارتباط با نتایج یکپارچگی برنامه ریزی در محلات و نواحی نمونه با توجه به جدول نتایج آزمون t برای گروه‌های مستقل در می یابیم که محله های شمس آباد، کالاد و مجیدآباد در نواحی ۲ و ۹ در سطح معنی داری، از میانگین بالاتری برخوردارند. بنابراین آمار و نتایج حاصل از یکپارچگی برنامه ریزی محله ای مثبت تر تلقی می شود.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه جهت بررسی میزان یکپارچگی برنامه ریزی شهری نواحی مورد مطالعه

متغیر	نواحی	درجه آزادی	F محاسبه شده	درجه معناداری	رتبه بندی محله ها بر حسب یکپارچگی بیش تر با توجه به نتایج آزمون شفه
میزان یکپارچگی برنامه ریزی شهری	دو	بین گروهی ۲	۱/۴۷	۰/۰۳۷	ناحیه
	نه	درون گروهی ۳۴۷			۲
	شش	۲۱/۰۹			۹
					۶

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه جهت بررسی میزان یکپارچگی برنامه ریزی شهری محله های مورد مطالعه

متغیر	محله ها	درجه آزادی	F محاسبه شده	درجه معناداری	رتبه بندی محله ها بر حسب یکپارچگی بیش تر با توجه به نتایج آزمون شفه
میزان یکپارچگی برنامه ریزی شهری	شمس آباد	برون گروهی ۵	۰/۷۹	۰/۰۰۴	میانگین
	کالاد	درون گروهی ۳۴۴			شمس آباد
	جوادیه	۱۹/۴۰			کالاد
	تهرانپارس شرقی	۱۸/۲۱			مجید آباد
	شرقی	۲۰/۱۷			تهرانپارس شرقی
	مجید آباد	۲۳/۷۸			کوهسار
	کوهسار	۲۴/۲۷			جوادیه

جداول شماره های ۵ و ۶ نیز محاسبه شاخص f (تحلیل واریانس) و آزمون تعقیبی شفه بهتر بودن وضعیت این محله را نشان می دهد. با توجه به مقایسه نظرات شهرداری های نواحی نمونه، دبیران شورایی و مردم محلات نمونه نتایج زیر حاصل گردید:

جدول ۷: مقایسه نظرات مردم با شوراییاران و شهرداری های نواحی

مردم محلات نمونه	دبیران شوراییاری محلات نمونه	شهرداری های نواحی نمونه	گروه های پرسش شونده موضوعات
بعد مدیریتی (۲)، بعد کالبدی (۶)، بعد اجتماعی و فرهنگی (۹)	بعد اجتماعی و فرهنگی	بعد اجتماعی و فرهنگی	مشکلات محلات و نواحی
	برنامه های فرهنگی و اجتماعی (۹ و ۲)، برنامه های کالبدی (۶)	برنامه های کالبدی (۹ و ۶)، برنامه های مدیریتی (۲)	برنامه های تهیه شده در رابطه با مشکلات
خیلی کم	زیاد	زیاد	میزان مشارکت
عدم آگاهی از برنامه ها و طرح ها	فکری و اجرایی	فکری و اجرایی	زمینه مشارکت
	افزایش تاثیر شوراییاران در برنامه ها، تنظیم رابطه مناسب شوراییاران با شهرداری ها و دیگر شوراییاران، تقویت بعد مشارکتی و سیستمی	روشی برای ارایه بهتر خدمات، صرفه جویی در هزینه های شهرداری، شناخت و رفع مشکلات محلات و تلاش در جهت همسطح کردن آنها، بهبود وضعیت شهرداری ناحیه	طرح ناحیه محوری

ماخذ: نویسندگان: ۱۳۹۰

مقایسه نظرات گروه های پرسش شونده نشان دهنده دیدگاه های متفاوت نهادهای مختلف برنامه ریزی، اجرایی و مردم، در مورد اولویت مشکلات محلات و برنامه ریزی است. نهاد هماهنگ کننده جهت همسو کردن نظرات متفاوت در مدیریت شهری تعریف نشده است. و عدم مشارکت مردم در برنامه های مدیریت شهری، مدیریتی متمرکز و از بالا به پائین را موجب شده است. با توجه به کمبودهای های سیستم مدیریت شهری طرح ناحیه محوری با هدف تجمیع منابع و نیروی محلات در سطح ناحیه و بهبود مشارکت مردم در برنامه ریزی و مدیریت پیشنهاد می شود.

آزمون فرضیات و پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از مصاحبه ها و پرسشنامه هایی که با عملیات میدانی از ساکنین محلات، دبیران شورایاری و شهرداری های نواحی نمونه کسب شده است فرضیه های زیر قابل اثبات است:

فرضیه اول: برنامه ریزی شهری در سطح محله های شهر تهران به ویژه منطقه ۴ عمدتاً به صورت مجزا و غیر یکپارچه با سایر مناطق شهری انجام می شود.

برای اثبات این فرضیه سوالاتی که مطرح شده نشان میدهد که فرضیه بالا در منطقه ۴ صادق است چنانکه مقایسه بین نظرات شورایاری ها، شهرداری ها و مردم نشان میدهد برنامه، طرح و قانون خاصی برای یکپارچگی بین محلات صورت نگرفته است برای نمونه شورایاری های محلات برنامه های خاصی را با همکاری محلات مجاور یا محلات دیگر در منطقه تعریف نکرده اند یا در مورد تاثیر محلات در اجرای سند چشم انداز هیچ نقشی برای محلات مجاور تعریف نشده است ضمن اینکه خود سند چشم انداز فاقد ویژگی های سند بالادست برای محلات است چرا که مراحل لازم برای نوشتن سند چشم انداز (نظرخواهی از مردم و تمام ذینفعان در محلات، الویت بندی، تشکیل سند چشم انداز) را دارا نمی باشد. سند چشم انداز توسط مهندسين مشاور بدون شناخت از محلات و بدون استنباط ملموس از مشکلات آنها نوشته شده است. بیش تر این اسناد جنبه فیزیکی دارند. از مصادیق دیگر می توان به ارتباط شورایاری های محلات اشاره نمود که هیچ سازوکار رسمی برای ارتباط آنها در سطوح بالاتر که به پیوند بین محله ای بیانجامد تعریف نشده است. از طرف دیگر در ناحیه نیز کاربری هایی در سطوح و مقیاس محله ای تعریف نشده است تا ضمن تسهیل کمبودهای محلات بتواند موجب ارتباط بیش تر محلات شود. بنابراین مشکلات فرامنطقه ای موجود در محلات، نواحی و در سطح منطقه که نیاز به همکاری شهرداری ها و دیگر سازمان های فرامنطقه ای و مناطق همجوار دارد فاقد قانون مشخص است که همکاری بین این سطوح را امکانپذیر سازد. عدم همکاری لازم بین سازمانها، حل مسائل فرامنطقه ای را با مشکلات جدی روبرو ساخته است به نحوی که یا این مشکلات حل نشده اند یا در مقایسه با سایر مشکلات منطقه با تاخیر مورد توجه قرار گرفته اند.

فرضیه دوم: با ایجاد سطح ناحیه ای در مدیریت شهری تهران پیوند بین برنامه ریزی در سطوح محلی و شهری برقرار می شود.

برای رسیدن به مدیریت مطلوب و پایدار رعایت اصولی الزامی است: رعایت سلسله مراتب مدیریتی از شهر تا محله به نحوی که سطح ناحیه بتواند ارتباط بین سطوح پایین شهری را با سطوح

بالاتر برقرار کند. اگر نگرش سیستمی به شهر داشته باشیم، شهر از عناصری تشکیل می شود که همه عناصر در جایگاه خود نقش خاصی را ایفا می کنند و با همدیگر پیوند لازم را دارا می باشند. بنابراین یکی از راه های دستیابی به مدیریت مطلوب شهری در منطقه ۴ ایجاد سطح ناحیه به مفهوم سیستمی و سلسله مراتبی است که هم از نظر فضایی و هم از نظر عملکردی و هم از نظر مدیریتی بتواند این مهم را در پی داشته باشد.

با توجه به اثبات فرضیات و مشکلات بیان شده توسط ساکنین، دبیران شورایاری ها و شهرداری های نواحی و مطالعات اسنادی پیشنهادات زیر قابل استفاده است:

- در گام اول به منظور استنباط صحیح از مشکلات مردم تشکیل نهادهای مردمی از کوچک ترین سطح تا سطوح بالاتر ضروری است. در این رابطه تشکیل شورای محله به منظور درک بهتر از مشکلات مردم و انتقال آن به مراجع بالاتر (سطوح فوقانی) پیشنهاد می شود. در مرحله بعدی توجه به اصل واگذاری وظایف سطوح پایین تر به همراه با دادن اختیارات مصوب در آن سطح می باشد. در نهایت ارتباط موثر و هماهنگ این دو نهاد با یکدیگر برای حل مشکلات شهری الزامی است.

- هدف از ایجاد مقیاس های کوچک تر مدیریتی مثل ناحیه، برنامه ریزی و سیاست گذاری از پائین ترین رده ها به بالاترین سطح و برعکس آن می باشد. برنامه ریزی در هر سطحی توسط ذی نفعان آن سطح و با توجه به برنامه های سطوح بالاتر بهتر و دقیق تر انجام شود.

- کاربری های جمعی در سطح ناحیه با توجه به بازتعریف نقش شهرداری و شیوه اداره امور شکل گیرد تا: حس تعلق به محله و ناحیه افزایش یابد، خاطرات فردی به خاطرات جمعی تبدیل گردد و مشارکت مردم با شهرداری و شوراها با برگزاری جلسات عمومی افزایش یابد. برای سلسله مراتب خدمات رسانی در شهر نیز بهترین روش پیشنهادی ایجاد سلسله مراتب مدیریت شهری در قالب شورا و شهرداری (محله- ناحیه- منطقه- شهر و منطقه شهری یا فرامنطقه ای) در کنار تقسیمات فیزیکی شهر، از شهر تا محله است.

- نظارت بر کار شهرداری در هر سطح و مقیاسی از طرف یک نهاد مردمی (شوراهای) همان سطح صورت گیرد.

- تعریف سازوکار قانونی برای برگزاری جلسات مشترک شورایاری ها در سطح محلات ناحیه و در محلات با مردم در فضاهای عمومی محلات یا نواحی و با توجه خاص به خواسته ها و مشکلات تمام شهروندان صورت پذیرد.

- بازتعریف نقش شهرداری در مدیریت واحد و یکپارچه شهری و رابطه ارگان‌های مرتبط با مدیریت شهری با شهرداری‌ها و شوراهای انجام شود.
- مرزبندی سطوح شهری در تهران بر اساس تقسیمات اداری-سیاسی، بافت‌های همگن شهری، بزرگراه‌های احداث شده و پیشنهادی و یکپارچگی سطوح کلان صورت گرفته است، در حالی که پیشنهاد می شود مرزبندی محله‌ها، ناحیه‌ها و مناطق شهری در تهران از پایین به بالا و بر اساس ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی-اقتصادی، کالبدی، جمعیتی و... صورت گیرد، در واقع مرزبندی سطوح شهری در ایران از بالا به پایین است در صورتی که حرکت از پایین به بالا توسعه را امکان پذیر می‌سازد.
- همچنین پیشنهادهایی که برای حل مشکلات محلات و انسجام و ارتباط مدیریت شهری با توجه به طرح ناحیه محوری ارائه می شود:
- تعریف پروژه‌ها و برنامه‌هایی در سطح نواحی برای حل مشکلات محلات با استفاده از قابلیت‌های محلات مجاور مثل مجتمع‌های تجاری و اداری با کارکرد ناحیه‌ای یا ایجاد فرهنگسرا و فضاهای عمومی ناحیه‌ای
- اقدام شهرداری مرکز (شهر تهران) در مورد طرح ناحیه محوری فقط محدود نمودن وظایف شهرداری‌های منطقه در حوزه خدمات شهری است، ولی هدف اصلی در طرح ناحیه محوری تجمیع منابع محلات در سطح ناحیه و افزایش عملکرد مدیریتی و مشارکتی از پایین به بالا می باشد.
- نوع و میزان فعالیت‌های شهرداری‌های مناطق و به تبع نواحی با توجه به تصویب بودجه مصوب از طرف شهرداری مرکزی صورت می گیرد، در صورتی که نیازها و مشکلات هر کدام از سطوح و در نتیجه بودجه تخصیص یافته برای رفع آن مشکل نیازمند توجه شهرداری همان سطح است.
- تعریف اهداف و برنامه‌ها برای ناحیه و اجرای آن‌ها از طرف شهرداری ناحیه با نظارت شهرداری منطقه و مقیاس‌های بالا صورت می گیرد در صورتی که شورای ناحیه که برآمده از نظر و رای مردم می باشد می تواند کار نظارت را برعهده بگیرد.
- تمام مشکلات و نیازهای ناحیه‌ای که می تواند در سطح ناحیه و توسط نهادهای مردمی و شورایی انجام گیرد نباید به سطوح بالاتر مثل شهرداری مناطق یا شهرداری مرکزی ارجاع داده شود.
- اجرای طرح ناحیه محوری باید طوری سازماندهی شود که ضمن اینکه تجمیع انواع منابع را در سطح بالاتر باعث می شود بر هماهنگی و یکپارچه شدن برنامه‌های محلات و مشارکت از سطح پایین تر نیز تاثیرگذار باشد.

- قانون شهرداری ها در رابطه با مسائل مردم: با توجه به اینکه مسائل و مشکلات و همچنین شرایط هر محله، ناحیه و منطقه و... شهری متفاوت است اصلاح شود زیرا در برنامه ریزی امور جزئی نمی توان از سطح تمام محلات نسخه مشترک تجویز کرد.

- نهایتاً به نمونه موردی بررسی بر مبنای سوالات، فرضیات و پیشنهادهای ارائه شده مدل مدیریتی زیر پیشنهاد می شود:

جدول پیشنهادی مدیریت شهری

منطقه کلان شهری	شهر	منطقه	ناحیه	محله	سطوح نهادهای
شورای منطقه کلان شهری	شورای شهر	شورای منطقه	شورای ناحیه	شورای محله	نهاد قانونگذار (شورا)
شهرداری مرکزی	شهرداری مرکزی	شهرداری منطقه	شهرداری ناحیه	شهرداری محله	نهاد اجرایی (شهرداری)

ماخذ: نویسنده گان، ۱۳۹۰

Archive of SID

منابع و مأخذ

- آخوندی، عباس احمد و همکاران، (۱۳۸۷)، اسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳.
- آمارنامه ها و سالنامه های آماری سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵
- ایمانی جاجرمی، حسین، (۱۳۸۲)، حکمروایی شهری و پژوهش شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۶.
- برک پور، ناصر و ایرج، اسدی، (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- تیموری، کاوه، (۱۳۸۳)، نقش شورا در شوراها، ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۵.
- حاجتی اشرفی، غلامرضا، (۱۳۸۱)، مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی- با آخرین اصلاحات و الحاقات، تهران، نشر گنج دانش، چاپ سیزدهم.
- رضویان، محمدتقی، (۱۳۸۱)، مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و سیدعلی، بدری، (۱۳۸۲)، دیدگاه توسعه پایدار، فصلنامه مدرس، شماره ۲۹، دانشگاه تربیت مدرس
- سبزعلیان، مرضیه و مرضیه، بقیری، (۱۳۸۹)، بانک اطلاعات شهرداری منطقه ۴، انتشارات پرستا.
- سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹)، مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- شریفیان ثانی، مریم، (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸.
- شفیعی، (۱۳۸۳)، افول نظام شورایی، ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۵.
- صرافی، مظفر، (۱۳۸۸)، مدیریت یکپارچه شهری در خدمت توسعه اجتماعات محلی، ماهنامه منظر، شماره سوم.
- علی آبادی، (۱۳۸۲)، شهرداریها و ضرورت اصلاح ساختار، ماهنامه شهرداریها، شماره ۵۸.

- قادری، حاتم، (۱۳۷۹)، شورا و سه اصل آگاهی، آزادی، داشتن، ماهنامه شهر، شماره ۷، ۸، ۹.
- کمانرودی کجوری، موسی؛ (۱۳۸۴)، موانع ساختاری مدیریت توسعه شهری در ایران، فصلنامه اقتصاد سیاسی، سال سوم، شماره دهم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کوین جی، کریزک و جو پاور، (۱۳۸۲)، «راهنمای برنامه ریزان در توسعه پایدار»، ترجمه سهراب امیریان و حسین حاتمی نژاد، انتشارات چرخ نیلوفری، مشهد.
- مجموعه قوانین و مقررات شورای اسلامی با آخرین اصلاحات، سال ۱۳۸۲.
- مجموعه مقالات اولین سمینار مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، انتشارات شهرداری تبریز، سال ۱۳۷۹.
- Blanke, B. and Smith, R.(1999) "Cities in Transition, New Challenges New Responsibilities" Great Britain, Macmillan Press Ltd.
- Hamilton, D.K.(1999) "Governing Metropolitan Areas, Response to Growth and Change" New York, Taylor & Francis Group.
- Hubert Heinelt and Daniel Kübler (2005) Metropolitan Governance - Capacity, democracy and the dynamics of place. USA, Routledge
- Konrad-Adenauer -Stiftung.V. (2009) Promoting People's Participation and Governance- in Vietnamese cities through the Association of Cities in Vietnam.
- Mohammadi, Hamid (2010) Citizen Participation and Urban Management-The Case of Iran, Shiraz City. Germany, Kassel University Press
- Tomas, M.(2002) "Making Metropolitan Governance Work, A Case Study : Madrid" Turin, ECPR.
- Van Dijk, Meine peiter (2006). "Managing Cities in Developing Countries." Edward Elgar Publishing, U.K